

The Needs Assessment For Social Work Ph.D. Curriculum Revision; a Qualitative Study

Masoomeh Maarefvand*: Assistant professor, faculty member, social work department, university of social welfare and rehabilitation, Tehran, Iran. arammaref@gmail.com

Ghoncheh Raheb: Associate professor, faculty member, social work department, university of social welfare and rehabilitation, Tehran, Iran. ghraheb@gmail.com

Hamideh Addelyan Rasi: Assistant professor, department of social work, Allameh Tabatabai university, Tehran, Iran. addelyan@atu.ac.ir

Foroozan Shokooh: Ph.D. of medical education university of social welfare and rehabilitation sciences, Tehran, Iran. fshokooh@yahoo.com

Maryam Zabihi Poursaadati: Ph.D. student of social work, department of social work, university of social welfare and rehabilitation sciences, Tehran, Iran. m.zabihi.2005@gmail.com

Abstract

Introduction: Curriculum of Ph.D. of social work in Iran was first approved in 2003 and in 2006 the University of social welfare and rehabilitation sciences admitted first Ph.D. students. This curriculum has not revised since its approval. Due to the widespread social changes over these years in Iran, especially in the social health and social policy area, the Ph.D. program is not sufficiently responsive to the needs of the society and students. In this regard, it is essential to analyze the stakeholders' feedback on the necessary revision of the curriculum.

Methods: A directed content analysis was used in this study. Twelve participants who were teachers, Ph.D. graduates and Ph.D. students of social work at the time of this study were recruited and interviewed through purposive sampling.

Results: Participants recommended several objectives and responsibilities for social work Ph.D. graduates such as policy-making, leadership, and programming, critical theory and theory developing, practicing theoretical and field education and supervision, research, and clinical interventions. The most important inclusion criteria for admission in the Ph.D. of social work were having a bachelor's and master's degree in social work and have a background career experience. Participants also emphasized on practical and internship courses.

Conclusions: It is recommended to consider policy-making, leadership, and programming, critical theory and theory developing, practicing theoretical and field education and supervision, research, and clinical interventions as key responsibilities of a social work Ph.D. student. Accordingly, persons with appropriate academic and career background should be admitted to this program. Appropriate teaching methods and practices and internship courses are essential for the Ph.D. curriculum of social work.

Keywords

Social Work

Curriculum

Ph.D.

Revision

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 26 Jan 2020
Accepted: 09 Jun 2020

Please cite this article as follows:

Maarefvand M, Raheb G, Addelyan Rasi H, Shokooh F, and Zabihi Poursaadati M. The needs assessment for social work Ph.D. curriculum revision; a qualitative study. Quarterly journal of social work. 2019; 8 (4); 27-42

نیازسنجی آموزشی برای بازنگری برنامه دکترای مددکاری اجتماعی

یک مطالعه کیفی

معصومه معارف‌وند*: استادیار عضو هیات علمی گروه مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران. arammaref@gmail.com

غنچه راهب: دانشیار گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران. ghraheb@gmail.com

حمیده عادلیان راسی: استادیار گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. addelyan@atu.ac.ir

فروزان شکوه: دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران. fshokooh@yahoo.com

مریم ذبیحی پورسعادت: دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی، گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران. m.zabihi.2005@gmail.com

واژگان کلیدی

مددکاری اجتماعی

برنامه آموزشی

دکترای

بازنگری

چکیده

مقدمه: برنامه آموزشی دکترای مددکاری اجتماعی در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید و در سال ۱۳۸۵ دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی اولین دانشجویان دکترای پذیرش نمود. برنامه آموزشی مذکور از زمان تصویب مورد بازنگری قرار نگرفته است. با توجه به تغییرات گسترده اجتماعی در این سال‌ها به خصوص در حوزه سلامت اجتماعی و نیز تغییر در سیاست‌های اجتماعی در ایران برنامه آموزشی دکترای مددکاری اجتماعی به اندازه کافی پاسخگوی نیازهای جامعه و دانشجویان نیست. به همین منظور ضرورت دارد نظرات ذی نفعان در رابطه با بازنگری برنامه مورد تحلیل قرار گیرد.

روش: این پژوهش به روش تحلیل محتوا جهت دار انجام شد. دوازده شرکت‌کننده از جمله استادان، دانشجویان و دانش‌آموختگان دکترای رشته مددکاری اجتماعی به روش نمونه‌گیری هدفمند وارد مطالعه شده و با آن‌ها مصاحبه شد.

نتایج: شرکت‌کنندگان در پژوهش اهداف و وظایف متنوعی را برای دانش‌آموختگان دکترای مددکاری اجتماعی پیشنهاد کردند از جمله سیاستگذاری، رهبری و برنامه‌ریزی، نقد نظریه‌ها و نظریه‌پردازی، آموزش نظری و عملی و سرپرستی، پژوهش و مداخلات بالینی. فارغ‌التحصیلی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی و همچنین داشتن سابقه کار به عنوان مهمترین معیارهای پذیرش دانشجویان معرفی شد. شرکت‌کنندگان بر ضرورت پیش‌بینی دروس عملی، کارآموزی و کارورزی علاوه بر واحدهای نظری تاکید نمودند.

بحث و نتیجه‌گیری: پیشنهاد می‌شود سیاستگذاری، رهبری و برنامه‌ریزی، نقد نظریه‌ها و نظریه‌پردازی، آموزش نظری و عملی و سرپرستی، پژوهش و مداخلات بالینی به عنوان وظایف اصلی دانش‌آموختگان دکترای مددکاری اجتماعی در بازنگری برنامه آموزش دکترای مددکاری اجتماعی مورد توجه قرار گیرند. بر همین اساس باید افرادی در دوره دکترای پذیرش شوند که از سوابق تحصیلی و شغلی مناسب برای سپری کردن این دوره برخوردار باشند. در عین حال در نظر گرفتن روش‌های متناسب آموزشی و پیش‌بینی دروس عملی، کارآموزی و کارورزی در بازنگری برنامه درسی دکترای مددکاری اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰

معصومه معارف‌وند، حسین احمد برابادی، حمیده عادلیان راسی، فروزان شکوه و مریم ذبیحی پورسعادت. نیازسنجی آموزشی برای بازنگری برنامه دکترای مددکاری اجتماعی: یک مطالعه کیفی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۸؛ ۸ (۴): ۲۷-۴۲

نحوه استناد به مقاله:

مقدمه

کوریکولوم از نظر ریشه‌شناسی از واژه Currere در لاتین به معنای Course گرفته شده است. واژه Currere به معنای راهی است که باید طی شود و بر یک مسیر یا برخی موانع یا وظایفی دلالت می‌کند که هر فرد بر آن‌ها غلبه پیدا می‌کند؛ یعنی مقوله‌هایی که دارای آغاز و انجام است و باید هدف‌هایی از آن‌ها منتج شود. کوریکولوم یا برنامه درسی شامل مفاهیمی همچون فلسفه تعلیم و تربیت، ارزش‌ها، هدف‌ها، ساختار سازمانی، مواد آموزشی، راهبردهای تدریس، تجربه‌های فراگیران، سنجش و برون‌دادهای یادگیری می‌شود و تغییر برنامه درسی می‌تواند به تغییر در هر یک از ابعاد یاد شده اطلاق گردد. مفهوم اصلاح یا بازنگری به تغییرات خاص، اما جامع‌تر و بنیادتر در تغییر برنامه درسی مربوط می‌شود که شامل تجدید نظر در سازمان و ساختار نظام آموزشی، بازنگری عمده در برنامه درسی و امثال آن می‌شود. تصمیم‌هایی که در جریان بازنگری برنامه درسی اتخاذ می‌شود، به هدف‌های برنامه درسی، مواد آموزشی، فعالیت‌های آموزشی ارزیابی و نظیر آن مربوط می‌شود. (۱)

مهمترین انتظاری که از برنامه‌های دکترای مددکاری اجتماعی می‌رود این است که دانشجویان بتوانند در این حوزه پژوهش کنند (۲) و دانش مددکاری اجتماعی را توسعه دهند. علاوه بر این انتظار می‌رود دانش‌آموختگان در این مقطع بتوانند در آموزش و سرپرستی دانشجویان و همچنین مددکاری اجتماعی در فیلدهای مختلف فعالیت کنند. (۳) پژوهش بخش مهمی از برنامه دوره دکترای به خود اختصاص می‌دهد.

در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی ویژه دوره دکترای مددکاری اجتماعی مطالعه‌ای در ایران انجام نشده است. کلیه مطالعاتی که در این زمینه در ایران صورت گرفته است، مربوط به سایر رشته‌هاست. بیشترین پژوهش‌های انجام شده در مورد برنامه‌های درسی دکترای مددکاری اجتماعی در آمریکا انجام شده‌اند. اگرچه لیونز ۲۰۱۰ معتقد است دکترای مبتنی بر پژوهش برای مددکاران اجتماعی مناسب‌تر است، (۴) بسیاری از برنامه‌های دکترای مددکاری اجتماعی در کشورهای مانند آمریکا و استرالیا علاوه بر پژوهش گذراندن واحد آموزشی قبل از آغاز پایان‌نامه را پیش‌بینی کرده‌اند. آموزش روش‌های پیشرفته پژوهش بخش مهمی از واحدهای آموزشی در دوره دکترای مددکاری به‌شمار می‌رود. (۵، ۶، ۷، ۸). علاوه بر این، رهبری آکادمیک یا حرفه‌ای، نظریه‌ها، فلسفه علم و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی نیز در برنامه‌های درسی دکترای مورد توجه قرار گرفتند. (۶) معمولاً برنامه‌های دکترای مددکاری اجتماعی واحدهای اختیاری را به‌عنوان بخشی از واحدها در نظر می‌گیرند. این واحدها در زمینه اخلاق حرفه‌ای یا ارزش‌ها، نظریه‌های اجتماعی، سمینار، نظریه‌های سازماندهی، رویکردهای جهانی، گرانت نویسی، رهبری، اقتصاد، آی‌تی و گروه‌های در معرض خطر هستند. علاوه بر واحدهای نظری کارآموزی نیز در برنامه‌های دوره دکترای پیش‌بینی می‌شود و آزمون جامع و ارایه تز در همه برنامه‌ها در نظر گرفته می‌شود. (۶) برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش مددکاری اجتماعی به موضوع واحدهای آموزشی اختصاص دارد. به‌عنوان مثال در پیمایشی که با شرکت دوپست و هفتاد دانشجوی مددکاری اجتماعی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه‌های جنوب غربی آمریکا انجام شد، تمایل آن‌ها به مددکاری بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت. موضوعاتی مانند کودکان، تهدیدکننده‌های سلامت یا بیماری‌ها، آمادگی و پاسخ به حوادث، حل تعارض، مساله‌های مرتبط با جنسیت مانند برابری جنسیتی، خشونت مبتنی بر جنسیت، LGBTQ و مانند آن در سطح بین‌المللی به‌طور معناداری در میان دانشجویان مورد توجه قرار داشت. این در حالی بود که دانشجویان علاقه کمتری به حوزه‌های سیاست‌گذاری و سازماندهی نشان داده بودند. اغلب دانشجویان مایل بودند واحد درسی با موضوع مددکاری اجتماعی بین‌المللی بگذرانند و تعداد قابل توجهی از آن‌ها تصمیم داشتند در برنامه‌های مبادله دانشجویان با سایر دانشگاه‌ها در کشورهای دیگر شرکت کنند. بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان در این مطالعه معتقد بودند برنامه‌های درسی نتوانسته است آن‌ها را به اندازه کافی با مشکلات جهانی آشنا کند. (۹) همچنین هادسون و همکاران ۲۰۱۷ در یک مطالعه کیفی نشان دادند که در برنامه‌های آموزش دکترای مددکاری اجتماعی موضوع عدالت اجتماعی و نحوه آموزش مفاهیم آن به دانشجویان مددکاری اجتماعی مورد توجه خاص قرار گرفته است. (۱۰)

در مورد شرایط کسانی که می‌توانند در مقطع دکترای مددکاری اجتماعی تحصیل کنند، نکات قابل توجهی مطرح شده است. مهمترین نکته این است که پذیرش دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی که فاقد مدرک کارشناسی ارشد مددکاری

اجتماعی باشد مورد انتقاد قرار گرفته است. (۱۱)

تاکید بر برجسته بودن نقش فرد و کیفیت محتوای مقالات از جمله سنجه‌هایی بودند که توسط شرکت‌کنندگان برای ارزیابی شایستگی‌های داوطلبان معرفی شد. (۱۴) در طراحی و بازنگری برنامه‌های آموزشی مددکاری اجتماعی به‌طور اجتناب‌ناپذیری باید به نیازهای ذی‌نفعان توجه داشت. از این‌روست که ضرورت طراحی برنامه‌های آموزشی مددکاری اجتماعی متناسب با نیازهای بومی در کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است به‌عنوان مثال می‌توان به برنامه‌های آموزش مددکاری اجتماعی در کشورهای ویتنام (۱۵) استرالیا (۱۶) مصر (۱۷) و هند (۱۸) اشاره کرد. کوری‌کولوم درسی دکترای مددکاری اجتماعی در قالب یک پژوهش با چند زیرمطالعه بازنگری شد. در این مقاله یافته‌های مربوط به نیازسنجی به روش کیفی با مشارکت ذی‌نفعان گزارش شده است.

مطالعه‌ای که در سال ۱۳۹۵ توسط یوسفی انجام شد، نشان داد بین استادان و دانشجویان در نگاه به شیوه گزینش نیمه‌متمرکز تفاوت معناداری دیده می‌شود، به گونه‌ای که استادان تمایل دارند دانشگاه سهم بیشتری در گزینش داوطلبان ورود به دوره دکتری داشته باشد، ولی داوطلبان علاقه‌مندند که به سازمان سنجش در فرایند گزینش سهم بیشتری اختصاص داده شود. (۱۲) بررسی‌ها نشان می‌دهند رویکرد دانشگاه‌ها در برگزاری جلسات مصاحبه با داوطلبان متفاوت و عوامل مورد توجه آن‌ها در ارزیابی عملکرد داوطلبان مختلف است. در این مصاحبه‌ها به توانمندی‌های ویژه داوطلبان کمتر توجه شده و موضوع مورد پرسش بر مباحث جزئی تمرکز داشته است. (۱۳) در سال‌های اخیر آزمون ساختارمند به روش Multiple Mini Interview-MMI برای انجام مصاحبه با داوطلبان دوره دکترای مددکاری اجتماعی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج مطالعه ده سرخی و همکاران ۱۳۹۴ نشان داد که شرکت‌کنندگان معتقد بودند در هنگام پذیرش دانشجویان دکترای باید شایستگی‌های فردی و حرفه‌ای آن‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. رزومه شامل پیشینه پژوهشی و آموزشی، نمونه‌های نوشتاری شامل توصیه‌نامه و اظهارنامه‌های فردی، آزمون‌های استاندارد شامل آزمون عمومی توانایی شناختی و آزمون زبان انگلیسی، مصاحبه‌های گروهی و یا انفرادی و کیفیت پژوهش (با

روش

این مطالعه به روش تحلیل محتوا انجام گرفت و با چهار نفر از استادان که سابقه تدریس در مقطع دکترای مددکاری اجتماعی بر اساس برنامه آموزشی دکترای مددکاری اجتماعی که توسط شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب شده است داشتند، سه دانش‌آموخته دکترای مددکاری اجتماعی و پنج نفر دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی مصاحبه شد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام گرفت و تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با شرکت‌کنندگان انجام شد. در مصاحبه‌ها با توجه به اجزای برنامه درسی پرسش‌هایی در خصوص اهدافی که باید در برنامه آموزشی دکترای مددکاری اجتماعی دنبال شوند، مهمترین نقش‌هایی که دانش‌آموختگان دکترای مددکاری اجتماعی باید ایفا کنند، معیارهای پذیرش دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی، روش پذیرش دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی، صلاحیت‌ها و توانایی‌های فارغ‌التحصیلان دکترای مددکاری اجتماعی، موضوعاتی که باید در دروس دوره دکترای مددکاری اجتماعی تدریس شوند، ترتیب دروس، روش آموزشی مناسب برای هر درس، زمان، روش و ابزار مناسب برای ارزشیابی برنامه دکترای مددکاری اجتماعی و گرایش در برنامه دکترای مددکاری اجتماعی مطرح شد.

از کلیه شرکت‌کنندگان برای ضبط صدا رضایت آگاهانه اخذ شد. کد اخلاق پژوهش: IR.USWR.REC ۱۳۹۷/۷۷ از تکنیک‌های مثلث‌سازی در جمع‌آوری داده‌ها، تایید شرکت‌کنندگان و مرور مکرر داده‌ها برای افزایش اعتمادپذیری پژوهش استفاده شد. تحلیل داده‌ها هم‌زمان و موازی با جمع‌آوری داده و پس از اولین گام‌های جمع‌آوری داده‌ها آغاز شد تا اطلاعات استخراج شده جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها را هدایت کند. داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای جهت‌دار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل محتوای جهت‌دار تمرکز خود را بر سؤالاتی در پژوهش قرار می‌دهد که بر اساس چهارچوب مفهومی، نظریات خاص و تحقیقات قبلی صورت گرفته باشد. همچنین الگوی کدگذاری اولیه و ارتباط بین کدها را بر

اساس مفاهیم و نظریات در مطالعات قبلی قرار می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت که یک فرآیند ساختارمند در کدگذاری را شکل می‌دهد. (۱۹) در این مطالعه سوالات پژوهش بر اساس مفاهیم بیرون آمده از مطالعات قبلی در زمینه بازنگری دروس حاصل شد

و این سوالات خود مفاهیم پایه در آنالیز داده‌ها را رقم زدند، بنابراین تحلیل محتوای جهت‌دار روش به کار گرفته شده در تحلیل داده‌های این پژوهش بود. طبقات و زیر طبقات بر اساس رابطه بین آن‌ها شکل گرفت. ضمناً در پایان کدگذاری بر اساس مفاهیم شکل گرفته اولیه، کدهای بیرون آمده دیگر که در این الگوهای اولیه جای نگرفتند نیز به عنوان کدهای جدید بیان شدند.

۱-۱-۱

اهداف کوریکولوم دکترای مددکاری اجتماعی: مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند به‌طور عمومی مقطع دکترای به‌دنبال تربیت و پرورش افرادی است که بتوانند در حوزه پژوهش و آموزش عملکرد قابل توجهی داشته باشند. یعنی توانایی طراحی و اجرای پژوهش‌های مختلف را داشته باشند و از سوی دیگر در امر انتقال دانش و هدایت دانشجویان در مقاطع پایین‌تر افراد توانمندی باشند. شرکت‌کننده شماره چهار، عضو هیات علمی دانشگاه، دکترای مددکاری اجتماعی: اصولاً فرد باید بتونه مساله یابی بکنه و بتونه پژوهش قابلی رو در مورد اون مساله انجام بده، دوم اینکه بتونه تدریس موثری داشته باشه و بتونه طرح‌های نوآورانه و ترکیبی رو ارایه بده، در واقع هدف بالاترین سطح دانش هست که تجزیه تحلیل و ترکیب. بنابراین بتونه مساله یابی بکنه و از طرح‌های مختلف استفاده بکنه و بتونه طرح‌های نویی را ارایه بده. همچنین شرکت‌کنندگان اشاره داشتند که یکی از مهمترین اهداف این دوره تربیت فرد به‌عنوان مدیر در سازمان‌های ارایه کننده خدمات اجتماعی در سطوح کلان و میانه می‌باشد. شرکت‌کننده شماره دو، دانش آموخته دکترای مددکاری اجتماعی، معاون یکی از مراکز توانبخشی سازمان بهزیستی: انتظار می‌رود که در سطح دکتری اینطوری باشد که برای سطح کلان فرد را آماده کنند. بنابراین اهدافی که تنظیم می‌شود توی هر زمینه‌ای اگر قرار هست که مثلاً مددکار اجتماعی سیاستگذار باشد توی حوزه اجتماعی... سیاست اجتماعی تدوین کند... پس هدف این باشد که توی سطح کلان وارد شود... فکر می‌کنم توی هدف مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در حوزه اجتماعی را می‌توان گفت. حالا اسکوپ‌های مختلفش، آموزش، بهداشت و... این حوزه‌هایی که وجود دارند بخواهند کار کند با این هدف‌ها برود... مدیریت برنامه‌ریزی و سیاستگذاری...

از سوی دیگر برخی از شرکت‌کنندگان به ارتقا مهارت‌های دانشجویان در زمینه کار عملی با گروه هدف اشاره داشتند و معتقد بودند در این مقطع باید به پرورش مهارت‌های حرفه‌ای نیز پرداخته شود. شرکت‌کننده شماره یازده، عضو هیات علمی دانشگاه، دکترای آموزش بهداشت: نکته‌ام همینجا بود که یکی از مساله‌های اصلی این هست که هدف ما تربیت چه عنصری هست؟ بایستی بین حرفه و علوم پایه تفاوت قائل شد برای حرفه تو خیلی از رشته‌ها دکترای حرفه‌ای تعریف شده. مثلاً وقتی پزشک یا دندانپزشک رو تربیت می‌کنیم مدرکی که بهش می‌دیم دکترای حرفه‌ای هست اخیراً در ده سال اخیر در رشته‌های توانبخشی هم حتی در تغذیه دکترای حرفه‌ای تعریف شده و خیلی از کشورها هم دارن این کار رو انجام می‌دن، دکترای حرفه‌ای مددکاری اجتماعی هم وجود داره، در برخی از جاها هدف از تربیت مددکاران اجتماعی در مقطع دکترا این هست که حرفه رو عملیاتی بکنن، چرا برای پزشکی دکترای حرفه‌ای میدن؟ برای اینکه انتظاری که از پزشک می‌ره انجام یک سری اقدامات حرفه‌ای هست که شامل ارزیابی تشخیص و درمان مناسب و پیگیری است این می‌تونه به رشته‌های دیگه منتقل بشه، چیزی که الان سالهاست فیزیوتراپیست‌ها دنبالش هستن. بنابراین مهمترین اهداف برنامه آموزشی دوره دکترا از دید شرکت‌کنندگان، ارتقا توانمندی‌های دانشجویان در زمینه پژوهش، آموزش، مدیریت، طراحی مداخلات و ارتقا مهارت در زمینه کار عملی با گروه هدف است.

نقش‌های دانش آموختگان دکترای مددکاری اجتماعی: مهمترین نقش‌هایی که شرکت‌کنندگان برای دانش آموختگان مقطع دکترای مددکاری اجتماعی برشمردند در راستای اهداف ذکر شده بود. در پاسخ به این سوال نقش‌هایی از قبیل پژوهشگر، آموزش دهنده، مدیر، برنامه‌ریز، سیاستگذار، مدافع در سطح کلان، تحلیلگر و درمانگری را عنوان کردند. شرکت‌کننده شماره یک، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: نقش‌هایی در سطوح مدیریتی که پیوند دارد با برنامه‌ریزی، تسهیلگری، تعیین کردن راهبردهای خرد و کلان، تعلیم نیروی انسانی، نیازسنجی و تعیین نیازهای آموزشی... اگر یک

مددکار اجتماعی در حیطه مدیریتی قرار گیرد، به کمک توانمندی‌هایی که دارا است می‌تواند از مهارت‌هایش استفاده کرده و تعارضات و نقش‌هایی که در یک سازمان به وجود می‌آیند را مدیریت کند و پیوندهای درون گروهی را تقویت کند. شرکت‌کننده شماره چهار، عضو هیات علمی دانشگاه، دکترای مددکاری اجتماعی: مهمترینش اینه که بتونه مساله‌های اجتماعی رو به خوبی بشناسه و پیش‌بینی بکنه، یه بخشش این هست که مساله‌های اجتماعی که الان هست رو بشناسه و بخش دیگه این که شواهد رو جمع بکنه و تحلیل بکنه که در آینده چه اتفاقاتی رخ خواهد داد و قبل از اینکه اون اتفاق بیفته باید پیش‌بینی موثری داشته باشه. بتونه طرح‌های موثری رو در رابطه با حل مساله بده، طبیعتاً دانشجوی دکترا باید منابع رو بشناسه و بتونه ارتباط قابلی رو با منابع مختلف اجتماعی و سیاسی برقرار بکنه که بتونه موثر در رابطه با حل مساله و مشکل کار بکنه.

ویژگی‌های افراد واجد شرایط برای پذیرفته شدن به‌عنوان دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی:

شرکت‌کنندگان در پاسخ به این سوال که چه کسانی با چه ویژگی‌هایی می‌توانند به‌عنوان دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی پذیرش شوند؟ موارد متعددی را عنوان کردند. اولین ویژگی که توسط شرکت‌کنندگان بیان شد مدرک و سابقه تحصیلی داوطلبین بود. با توجه به اینکه مددکاری اجتماعی یک حرفه است و اساس شکل‌گیری هویت حرفه‌ای در دوران کارشناسی و به‌ویژه طی فرایند کارورزی شکل می‌گیرد، شرکت‌کنندگان داشتن مدرک مددکاری اجتماعی به‌خصوص در مقطع کارشناسی را تاکید داشتند. شرکت‌کننده شماره هشت، دانش‌آموخته دکترای مددکاری اجتماعی، مشغول به کار در بیمارستان: اولین ویژگی اینکه کارشناسیش حتماً مددکاری باشه اصلاً این برای من قابل درک نیست که وقتی کسی کارشناسی مددکاری نخونده بتونه دکترای مددکاری بگیره... به‌نظرم کارشناسی باید مددکاری باشه مثل خیلی از رشته‌ها که الان تو دفترچه میبینی برای خوندن دکترا شرط گذاشته به شرط خوندن کارشناسی فلان. من فکر میکنم هشتاد تا نود درصد مهارت‌های مددکاری رو در کارشناسی فرد می‌آموزه.

از آنجا که حرفه مددکاری اجتماعی بر ارزش‌های انسانی و حرفه‌ای استوار است، دومین ویژگی بیان شده توسط شرکت‌کنندگان، مربوط به میزان آگاهی و پابندی داوطلبین به اصول و ارزش‌های اساسی حرفه مددکاری اجتماعی، تعهد و مسئولیت‌پذیری بود. شرکت‌کننده شماره شش، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: از نظر من اینکه فرد باید معتقد به ارزش‌ها و اصول حرفه‌ای باشه و در دوره دکتری خیلی مهم می‌شه، اخلاق در حیطه‌های مختلف چون این فرد قراره در سطح کلان تولید کننده باشه این خیلی مهم می‌شه. لازمه که به‌عنوان پیش‌نیاز مطرح بشه. حتی باید در سطح برتری در سوابق

کاری یا پژوهشیش بررسی بشه آیا ریبجکت شدن‌هایی داشته برای عدم رعایت اینها، یه پرونده قضایی داشته برای عدم رعایت رابطه حرفه‌ای و رعایت اخلاق پژوهش. یا اینها به‌صورت نکته منفی در نظر گرفته بشه یا گواهی داده بشه بابت گذروندنش. داشتن تجربه کاری از جمله مواری بود که از سوی تعداد قابل توجهی از شرکت‌کنندگان بیان شد. یکی از انتظارات از داوطلبین این است که گروه‌های هدف حرفه مددکاری اجتماعی را بشناسد و به‌طور مستقیم خدمات حرفه‌ای را به آنان ارایه کرده باشد. شرکت‌کننده شماره سه، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: آیتمی هست که اساس کار هست معتمد در مقطع دکتری دو دسته دانشجو داریم یکی اینکه سریع می‌خونن و وارد این مقطع می‌شن اینم بد نیست و یک عده اونا که در فیلد کار کردن، من معتمد اونها که در فیلد کار کردن و خودشون تمایل دارن و احساس می‌کنیم آدم توانمندی هستن و در مقطع سنی بالایی هم نیستن می‌تونن موثرترین گروه برای ما باشن. شرکت‌کننده شماره نه، عضو هیات علمی دانشگاه، دانش‌آموخته دکترای مددکاری اجتماعی: تجربه کاری هم خیلی مهمه. معتمد خیلی خوب هست که زمانی که می‌خوام دانشجوی دکترا بگیریم حداقل تجربه کاری دو سه ساله رو گذرونده باشه و این تجربه کاری دو سه ساله بهتر این هست که فقط پژوهش نباشه، رفته باشه و در فیلد کار کرده باشه.

تسلط بر زبان، توانایی جستجو در پایگاه‌های علمی و رزومه پژوهشی مناسب دیگر ویژگی بود که شرکت‌کنندگان به آن‌ها اشاره کردند. شرکت‌کننده شماره دو، دانش‌آموخته دکترای مددکاری اجتماعی، معاون یکی از مراکز توانبخشی سازمان بهزیستی: زبان انگلیسی خیلی مهم است. بچه‌ها این موضوع را جدی نمی‌گیرند. ولی مهم است. وقتی ما زبان نمی‌دانیم سراغ منابع اصلی نمی‌رویم.

جورایی می‌خواد کانتریوشنی رو در سطح اکادمیک و علمی ایجاد بکنه.

روش‌های پذیرش دانشجویان دکترای مددکاری

اجتماعی: شرکت‌کنندگان در پاسخ به این سوال که روش پذیرش دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی باید چگونه باشد؟ به نقد شیوه فعلی پرداختند. اگرچه به ضرورت آزمون کتبی برای سنجش دانش پایه و تخصصی مددکاری اجتماعی اذعان داشتند ولی محتوای سوالات، منابع آزمون و شکل تستی بودن آزمون را مورد نقد قرار دادند. همچنین مصاحبه را دارای معایبی همچون سوگیری مصاحبه‌کننده‌ها، کمبود زمان برای سنجش دقیق و نیز عدم توجه به مبحثی همچون بررسی انگیزه داوطلب برای ادامه تحصیل در مقطع دکترای می‌دانستند. از سوی دیگر شیوه پذیرش بر اساس ارایه پروپوزال و سیستم سوپروایزری از سوی اساتید راهنما را به‌عنوان روش موثر در افزایش کیفیت آموزش در مقطع دکترای می‌دانستند. شرکت‌کننده شماره پنج، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: تحصیلات تکمیلی مخصوصا در مقطع دکترای خیلی خیلی باید استاد محوری پیش بره تا وزارتخانه محوری، متأسفانه ما یک نسخه پیچیدیم از وزارتخانه و اونو به همه رشته‌ها دادیم. من حس می‌کنم برای رشته خودمون این فرصت به اساتید داده بشه که یک سری از اساتید یک سری از دانشجویها رو بنابرین معیارها به‌صورت بورس بپذیرن و استاد و دانشجو دفاع بکنه از اینکه چرا باید فلان دانشجو در این دانشگاه دکتری بخونه... و طبق معیارهایی که تمام دانشگاه‌ها دارن هر سه ماه دانشجو و استاد اقدامات خودشونو باید گزارش بدن و اگر تو اون راستا نباشه خیلی راحت اسکالرشپی که به دانشجو دادند رو حذف می‌کنند و می‌گیرن ازش. ما اسکالرشپیمون شاید این نباشه پول بدیم به دانشجو اما می‌تونیم اینطور هشدار بدیم که اگر از معیارهایی که روز اول دیدیم فاصله‌گیری ما حذف می‌کنیم در حالی که همیشه بردامون پر از اسامی دکترهایی هست که چرا پروپوزال نمیدین، چرا عنوان نمیدین... چرا؟ چون از روز اول هیچ استادی مسولیت اینو قبول نکرده. این اومده و از پل گذشته و دیگه برایش اهمیت نداره. بشه شش سال یا هفت سال... کمی گرایی هیچوقت تو رشته ما جواب نداده، مخصوصا تو رشته کیفی مثل مددکاری اجتماعی. شرکت‌کننده شماره نه، عضو هیات علمی دانشگاه، دانش آموخته دکترای مددکاری اجتماعی: من آزمونی که گرفته می‌شه رو قبول ندارم، به‌نظر من آزمون تستی معنایی نداره یعنی باید تشریحی بشه و هر دانشگاهی خودش جدا آزمونی رو برگزار بکنه که سوالات تبیین و تفسیر رو بتونه در یک دانشجو شناسایی بکنه و بررسی بکنه، موضوع اینه که اگر قرار باشه آزمون تستی رو بگیری می‌ری ریز نمرات دانشجو رو نگاه بکنی و بر اساس اون انتخاب بکنی چه دانشجویی بیاد بالا یا نیاد ولی به‌نظم مثل خیلی از دانشگاه‌های دنیا دانشجو بیاد یک پروپوزال پژوهشی رو بنویسه

از سوی دیگر برخی از شرکت‌کنندگان به ویژگی‌های شخصیتی اشاره کردند که متناسب با ذات و ماهیت حرفه مددکاری اجتماعی و نیز لازمه ورود به مقطع دکترای هستند. شرکت‌کننده شماره یک، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: ویژگی‌های فردی مثلا پابندی به اخلاق، تعهد... اگر دانشجویی سابقه بی‌اخلاقی حرفه‌ای داشته من فکر نمی‌کنم ورودش به دوره دکترای خوشایند باشد. نظم هم فکر می‌کنم مهم باشد. شرکت‌کننده شماره چهارم، عضو هیات علمی دانشگاه، دکترای مددکاری اجتماعی: هوش درون فردی و بین فردی قوی داشته باشه، یعنی بتونه درک بالاتری نسبت به خودش و دیگران داشته باشه و توانایی ارتباط برقرار کردن خوب با آدم‌ها و محیط پیرامون داشته باشه، تحلیلگر خوبی باشه، آدم خلاق باشه، چون مددکاری اجتماعی به‌نظر من کاملاً نیاز به آدم‌های باهوش و خلاق داره چون اصلاً یک راه نیست، همون‌طور که می‌گیم بحث فردیت قائل شدن کاملاً باید دانش پایه رو بشناسه و بتونه بر اساس موقعیت این دانش رو استفاده بکنه بنابرین به لحاظ هوشی هم باید آدم توانمندی باشه.

از دیگر مواردی که شرکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند بررسی انگیزه ورود به مقطع دکترای بود. شرکت‌کننده شماره نه، عضو هیات علمی دانشگاه، دانش آموخته دکترای مددکاری اجتماعی: کسی که می‌خواد دکترای مددکاری بخونه به‌نظم باید هدفش از دکترای خوندن چیه رو بدون، هرچند جامعه ایران به سمت مدرک می‌ره و خیلی‌ها می‌رن مدرک می‌گیرن که کار بهتری داشته باشن ولی واقعا در همه جای دنیا این نیست می‌تونه به نفر دکترا نخونه و با مدرک کارشناسی حقوق و جایگاه و درآمد خوبی داشته باشه بنابرین کسی که میاد در این کشورها میره دکترا می‌خونه که دلیلی و هدفی داره برای پاسخ دادن به سوالاتی که در خودش هست، به

و یک سی وی کاملی رو از خودش ارایه بده و اون مدارک و مستنداتی رو که می تونه نشون بده این دانشجو می تونه کاندیدای خوبی باشه برای دکترای ما اینها رو پرزنت بکنه و ارایه بده و توی اون پروسه و کمیته های تخصصی بررسی بشه و بعد مصاحبه تخصصی رو با این دانشجو داشته باشیم که این روند بررسی بشه.

صلاحیت های مورد انتظار برای دانش آموختگان دکترای مددکاری اجتماعی: بر اساس مواردی که در پاسخ

به سوال اهداف مطرح شد، مهمترین صلاحیت های مورد انتظار از دانش آموختگان مقطع دکترای مددکاری اجتماعی، توانمندی در پژوهش و آموزش، تسلط بر مفاهیم و رویکردهای برنامه ریزی و سیاست گذاری، توانایی مدیریت سازمان های ارایه دهنده خدمات اجتماعی و نیز تخصص و عمیق شدن در یک حیطه کاری بوده است. شرکت کننده شماره یک، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: اینکه توی حیطه تخصصی که انتخاب می کند حرفی برای گفتن داشته باشد. خیلی وقت ها از طریق انتشار مقاله است. سمینار و یا کنفرانس برگزار می شود از ایشان دعوت می شود، باید اینقدر موضوع را خوب بشناسد که خیلی خوب بتواند در مورد ابعاد این موضوع صحبت کند و راهکار ارایه دهد و یا اینکه می تواند استاد راهنما و یا مشاور در این موضوع بشود. مددکاری اجتماعی حیطه اش وسیع است، نمی توان در تمام حیطه ها توانمند شد. باید در یک حیطه خاص گروه هدف را خوب شناختن، تسلط به دانش آن حیطه، آشنا بودن با خدماتی که توی آن حیطه در حال حاضر ارایه می شود. آگاهی داشتن از خدمات مطلوبی که لازم هست ارایه شود. شرکت کننده شماره شش، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: دانشجوی دکترا باید مهارت تفکر انتقادی داشته باشه، متأسفانه چیزی که من در کوریکولوم می بینم ارایه محتواسه و مدیریت تفکر انتقادی انجام نمی شه، یکی از مهارت هایی که تولید کننده ها باید داشته باشن این هست که کاربرد دانش مددکاری رو بدونن، این هست که پالیسی میکینگ رو بلد باشه، به عبارت دیگه گاید لاین نویسی ها و استاندارد سازی ها رو بلد باشه پروتکل نویسی بلد باشه. شرکت کننده شماره ده، عضو هیات علمی دانشگاه، دکترای جامعه شناسی: شناخت عمیق از رویکردها مکاتب و نظریه های مرتبط و به صورت خلاصه داشته باشه، خصلت تحلیل و تبیین در دانشجویان پر رنگ شود، قدرت تبدیل تحلیل ها و تبیین ها به کاربردها رو داشته باشه، مهارت اجرای طرح های کاربردی در قالب مداخله و غیره رو داشته باشه، قدرت ارزیابی اثربخشی اقدامات رو دارا باشه، ذهن دانشجوی تربیت شده منظم اصل و فرع، خرد و کلان و اولویت بندی و سطح بندی رو بتونه ارایه بکنه. همچنین تسلط بر زبان علمی بین المللی و توانایی ارتباط با مجامع علمی از مواردی بود که شرکت کنندگان به آن اشاره داشتند. یکی از مهمترین

موارد در رشد و توسعه حرفه ای، به روز شدن علمی و دانشی در آن حرفه است. از طرفی، ویژگی مددکاری اجتماعی به گونه ای است که آن را رشته ای بین المللی می سازد. بنابراین یکی از مهمترین دست آوردها در دکترای مددکاری اجتماعی می بایست توانمندی در همکاری های بین المللی در این حیطه باشد که نهایتاً توسعه حرفه ای را به طور بومی و بین المللی به ارمغان می آورد.

شرکت کننده شماره نه، عضو هیات علمی دانشگاه، دانش آموخته دکترای مددکاری اجتماعی: نکته مهم دیگه بحث تاکید روی فرایندهای بین المللی، آموزش های بین المللی در موارد متعدد به صوت تئوری و عملیاتی، دیده می شه که دانشجویان در هر رشته ای با این مساله مواجهن یعنی زبان بین المللی نه به عنوان صرفاً زبان، زبان فعالیت های اکادمیک بین المللی رو نمی دونن بنا براین بخشی از تمرکز می تونه روی بالا بردن یک چنین صلاحیتی باشه، اگر این اتفاق در دکترا بیفته فرد بعد از فارغ التحصیلش این فرایند رو طی خواهد کرد، چون یک فرایند درونی می شه برآش و می دونه که فارغ از مساله های بومی یک زبان مشترک بین المللی هست در علم و متدهای تحقیقاتی و این ها در اصل مواردی هست که می تونه ازش استفاده بکنه.

دروس دوره دکترای مددکاری اجتماعی: شرکت کنندگان قبل از بیان

موضوعات درسی، به این موضوع تاکید داشتند که برای اجرای یک کوریکولوم خوب نیاز به مجریان یعنی اساتید واجد شرایطی است که بتوانند سرفصل ها و شیوه های آموزشی را به درستی پوشش دهند. ضعف اساتید، عدم تطبیق محتوای آموزشی با کوریکولوم فعلی، زیاد بودن سرفصل ها و مباحث، زیاد بودن واحدهای تئوری، تشابه سرفصل ها با مقاطع قبلی آموزش و به روز نبودن منابع از جمله مهمترین مشکلات دروس ارایه شده در کوریکولوم فعلی بوده است.

شرکت‌کننده شماره یک، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: ... عنوان‌ها خیلی طولانی و برخی با محتوای درسی مطابقت ندارد. مثلاً در مورد یک درسی که در مورد خانواده بود به‌طور کلی نوشته بودن خانواده درمانی این مفهوم کلی است، شما باید مشخص کنید منظور از خانواده درمانی دقیقاً چه چیزی هست. مثلاً چه نظریه‌ای؟ اگر زوج درمانی را زیر مجموعه خانواده درمانی بدانیم، زوج درمانی تأکید بر روی چه چیزی هست؟ خانواده درمانی و زوج درمانی خیلی کلی هست... باید ببینیم کدام یک را باید مددکار اجتماعی بداند... بعضی وقت‌ها به تعریف خانواده درمانی می‌گذرد... اگر هم وارد نظریه می‌شود صرفاً به معرفی نظریه پرداخته می‌شود و تمام می‌شود. شرکت‌کننده شماره پنج، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: شما عناوین درس‌ها رو ببینید، می‌بینید که ما همین عنوان رو در کارشناسی داشتیم و ارشد. یک سری از درس‌هایی که ما داریم می‌خونیم از بدو انقدر خلا در تدریس وجود داشت که ما باید در سطح دکترا آنالیزهای پیشرفته رو بخونیم ما کماکان داریم در سطح‌های اولیه دست و پا می‌زنیم. به‌نظرم باید روی روش تحقیق به شیوه دیگه‌ای تمرکز بشه.

شرکت‌کنندگان تأکید داشتند دروس پایه‌ای مانند روش تحقیق می‌بایست با دقت بیشتری طرح‌ریزی و اجرا شوند.

شرکت‌کننده شماره دو، دانش‌آموخته دکترای مددکاری اجتماعی، معاون یکی از مراکز توانبخشی سازمان بهزیستی: یک درس‌هایی هم در مورد روش تحقیق می‌گذرونیم یک مقداری همسو باید باشد. باید سبک به‌روزتری و به‌صورت یکپارچه آموزش داده بشود. ضمن اینکه چیزهایی به‌صورت کارگاهی و از قبل پایه‌ریزی بشود مثل آموزش شیوه مقاله‌نویسی. این‌ها اصلاً آموزش داده نمی‌شود و وقتی آموزش ندیدیم

و از ما می‌خواهند خیلی سخت می‌شود. حالا این آموزش چه از طریق کارگاه باشد چه از طریق گنج‌وندن در قالب روش تحقیق... اگر کارگاه‌ها قرار هست کمک کنند باید اجباری باشند. شرکت‌کننده شماره سه، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: من می‌گم چند تا اتفاق بیفته یکی اینکه جنس روش‌شناسی و متدولوژی باید قوی باشه توش چون قراره دو سال درگیر پایان‌نامه باشن باید این قسمت قوی باشه... شرکت‌کنندگان همچنین دروسی مانند نظریه‌های مرتبط با درمانگری روانی-اجتماعی، اقتصاد سلامت، شیوه‌های سرپرستی، کارورزی، مددکاری اجتماعی در حوادث و بلایا، نظریه‌های توسعه پایدار و جامعه‌شناسی پزشکی و سلامت‌رامی‌بایست در کوریکولوم در نظر گرفت. شرکت‌کننده شماره چهار، عضو هیات علمی دانشگاه، دکترای مددکاری اجتماعی: قطعاً مددکاران اجتماعی باید به‌عنوان درمانگران روانی اجتماعی کار نکنن، پس نظریه‌های درمانی مرتبط با کار مددکاری اجتماعی رو لازمه که بدونن، دومین اینکه ما با گروه‌های خاص کار می‌کنیم پس بحث توانبخشی گروه‌های خاص، چگونگی ارتباط گرفتن با اون‌ها، بحث شناخت مساله‌های اون‌ها خیلی باید قوی مورد بررسی قرار بگیرد. اگرچه ما از دوره کارشناسی بحث گروه‌های خاص رو داریم اما در دوره دکترا باید ارزیابی بشه ببینیم دانشجوی این مباحث رو به خوبی می‌دونه؟ آموزش‌های ترمیمی و تکمیلی به دانشجویان داده بشه. سومین بحث اقتصاد سلامت و سیاست‌های اجتماعی رو خوب بدونه و بتونه تحلیل درستی در مورد بحث‌های عدالت، اقتصاد اجتماعی، اقتصاد سلامت، سیاست اجتماعی، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی‌های اجتماعی داشته باشه. شرکت‌کننده شماره هشت، دانش‌آموخته دکترای مددکاری اجتماعی، مشغول به‌کار در بیمارستان: یکی از مهمترین کارهایی که انجام می‌دیم سوپروایزریه... فقط دو واحد در ارشد می‌خونیم اما لازمه توی دکترا هم باشه، اصول و مراحلش. لازمه کارورزی بگذرونیم، چیزی که دیده نمی‌شه، چون وقتی کارشناسی هستی چیز زیادی از این حرفه نمیدونی یا چشم‌اندازی از این حرفه نمیدونی، مهمه که با شناخت کاملی که در این مقطع به‌دست آوردی بری و کارورزی بگذرونی، با دید نقادانه فرد باید کارورزی بگذرونه یعنی به تجزیه و تحلیل کارورزی دانشجویها بپردازه اما شرطش اینه که خودش هم کارورزی بگذرونه. خودش کار با مراجع رو انجام بده، هیچوقت پایه‌های مددکاری از مددکار ساقط نمی‌شه، اتفاقاً بره مصاحبه با اون دید و دانش هم پایه‌های کار مددکاری رو با دید نقادانه بگذرونه تحلیلش بکنه و هم به ایده‌پردازی بپردازه و شروع بکنه به ایده‌سازی در مورد کارورزی، یعنی با دانش و تجارب کارورزی خودش، کاری بکنه که کارورزی دانشجوی شکل متفاوت و کاربردی‌تری داشته باشه و بعد برای هر فیلد ایده و نظریش رو اعلام بکنه به‌صورت دانش‌ناشی از تجربه اگر ما همه دانشجویهای دکتري

رو بفرستیم کارورزی بگذرونن و بعد ایده‌هاشون رو جمع‌بندی بکنیم تحلیل‌ها و نقدهاشون در پایان دستاوردی داریم که کارورزی‌ها سر و سامون می‌گیرن، ارزیابی‌ها درست‌تر خواهد بود بیس عملی مددکار تقویت می‌شه. شرکت‌کننده شماره یازده، عضو هیات علمی دانشگاه، دکترای آموزش بهداشت: به‌نظرم حوزه مساله‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی به‌معنای ماهیت انسان، علوم اجتماعی، نظریه‌های مددکاری اجتماعی و مبحث آسیب‌های اجتماعی. یکی از چیزهایی که به‌نظرم جا افتاده و در درس‌های انتخاب شده دیده شده موضوع مطالعه معلولیت هست اما ناتوانی جنبه کاری مددکاری نیست. جامعه‌شناسی می‌تونه جامعه‌شناسی معلولیت باشه، جامعه‌شناسی پزشکی و بهداشت. **نقشه برنامه آموزشی دکترای مددکاری اجتماعی:**

مصاحبه‌شوندگان به اولویت دورس تخصصی و بعد دروس تکمیلی اشاره داشتند، همچنین تاکید داشتند که دورس روش تحقیق و زبان انگلیسی به‌طور مستمر در طول تحصیل باید ارایه شود و سپس به دورس کلاتر مثل رفا و سیاست اجتماعی پرداخته شود.

شرکت‌کننده شماره هشت، دانش‌آموخته دکترای مددکاری اجتماعی، شاغل در بیمارستان: روش تحقیق اولویت داره اول آموزش داده بشه. تجربه خودم اینو می‌گه، ما کلی شروع کردیم واحدهای مختلف درس رو گذروندیم بعد هر کدوم از ما خواستن یه مقاله بنویسیم و در انتها که دانشجو درگیر امتحان جامع هست به ما روش تحقیق کیفی رو دادن، همون ترم اول که دانشجو انرژی بیشتری داره روش تحقیق رو بخونه این خیلی مهمه که روش تحقیق یه جایی باشه که مددکار فرصت داشته باشه بقیه واحدهارو بهش پیوند بزنه، اولویت اصلی روش تحقیق هست چون خیلی مهمه. از نظر مصاحبه‌شوندگان سیر دورس باید از مقدمات به اجرایات باشد، به این صورت که ابتدا فلسفه علم به‌عنوان پایه دورس و سپس پژوهش، تحلیل مساله‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی به دانشجویان ارایه گردد.

شرکت‌کننده شماره چهار، عضو هیات علمی دانشگاه، دکترای مددکاری اجتماعی: به‌نظر من باید از فلسفه علم شروع کرد، بعد بریم سراغ پژوهش، بعد سراغ تحلیل مساله‌های اجتماعی و بعد در ترم‌های آخر به بحث درمان و طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی برسیم، اول مقدمات و بعد اجرایات. از نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان، دورس تخصصی باید پس از ارائه پروپوزال و مشخص شدن موضوع پایان‌نامه و مرتبط با موضوع باشد. در این صورت ابتدا دورس عمومی ارایه شده و سپس آزمون جامع به‌صورت آینده‌نگر و جهت سنجش نیاز دانشجو انجام شده و بعد از آن دورس تخصصی مرتبط با موضوع ارایه گردد. شرکت‌کننده شماره پنج، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: آزمون جامعی که ما داریم بعد از اتمام دورس می‌گیریم بین دورس عمومی و تخصصی بگیریم و مشخص بکنیم که یک مددکار اجتماعی که

می‌خواد وارد فیلد اعتیاد بشه بدوننه به‌صورت تخصصی چه چیزهایی رو باید یاد بگیره، من می‌گم درس‌های عمومی و ثابت و یک سری درسهای عمومی مثل فرد و خانواده و... بعد آزمونی ازش گفته بشه که این آزمون نخواد بیاد بسنجه اون چی یاد گرفته، این آزمون‌ها هیچ‌وقت سواد طرف رو نتونسته اندازه‌گیری کنه اما ما کماکان داریم روش تاکید می‌کنیم به‌نظر من این آزمون به‌جای نگاه به عقب باید به آینده نگاه بکنه، آزمون باید بگه تو که می‌خوای وارد فیلد اعتیاد بشی از این لحظه به بعد باید چیا بدونی؟ بعد وارد فیلد تخصصی بشه و پایان‌نامش رو تو اون حوزه بده و...

استراتژی‌های تدریس در دوره دکترای مددکاری اجتماعی:

مصاحبه‌شوندگان بهترین روش تدریس را آموزش مشارکتی و انجام پروژه‌های عملی و تولید مقاله عنوان کردند و به نقش حضور در فیلد به‌عنوان موثرترین شیوه یادگیری اشاره داشتند. شرکت‌کننده شماره هفت، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: اما مهارت و تکنیک‌ها رو با پروژه‌های عملی که بچه‌ها مجبور بشن برن توی فیلد، یه سری پروژه‌ها رو تخصصی کار کنند. من الان کسی رو می‌شناسم توی فیلد دارن کار می‌کنن و اون مهارت‌ها رو به‌کار نمی‌برن و در ظاهر دیده هم نمیشه. به‌نظرم صرف اینکه ما سر کلاس بشینیم و مدرس به‌عنوان سخنران بیاد و یه سری نکته‌هارو بگه و ما جزوه برداریم و آخرش باید بریم کار عملی تحویل بدیم تا بفرستیم که بتونیم آزمون جامع بدیم اصلاً اینو قبول ندارم.

مصاحبه‌شوندگان به شیوه ترکیب دانشجو محوری و استاد محوری با توجه به نوع درس تاکید داشتند و نقش استاد را هدایت کننده و نقش کلاس حضوری را در حد اشکال‌گیری می‌دانستند. شرکت‌کننده شماره سه، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: براساس جنس واحد درسی تغییر

کند اما تمایل به سمت دانشجو محور بودن باشد. این خطایی که ما سال‌هاست انجام می‌دیم که وقتی می‌گیم دانشجو محور بودن اینه که دانشجو پاور درست کنه و تمام. در مراحل و گام به گام باید استاد درگیر بشه و جهت‌بده و نظربده و خود استاد هم باید آمادگی داشته باشه در جهت پاسخ دادن به سوال‌ها، هر مرحله که دانشجو درس می‌ده باید ارتباط بگیره و وارد مبحث بشه اما خود دانشجو محور باشه.

مصاحبه‌شوندگان علاوه بر انتقاد به روش تدریس کنونی عنوان کردند که روش‌های مباحثه، یادگیری اکتشافی هدایت شده، بحث و تبادل نظر گروهی، آموزش الکترونیکی، میزگردهای تحلیلی فعالیت‌های میدانی، آموزش در قالب سمینار و کارگاه، پخش فیلم و کارگروهی و با هدف مهارت آموزی روش‌های موثرتری جهت یادگیری در مقطع دکتری هستند. شرکت‌کننده شماره چهار، عضو هیات علمی دانشگاه، دکترای مددکاری اجتماعی: در واقع ما باید دانشجویان رو طوری تربیت بکنیم که اونا خودشون پژوهشگران علم باشن و خودشون بتوانند دانش خودشون رو بسازن پس بنابراین این که من به عنوان یک معلم برم سر کلاس و درس بدم به نظر من در مقطع دکتری پذیرفته نیست و این دانشجویان هستن که باید علم رو از دریچه‌های مختلف، در سایت‌ها، در کتاب‌ها، مقالات بتونن جمع بکنن و چکیده‌ای در رابطه با هر موضوعی در ذهن خودشان داشته باشند و سر کلاس آن‌ها را به اشتراک بذارند و باهم بحث و تبادل نظر کنند. مصاحبه‌شوندگان همچنین به ضرورت اجباری بودن برخی دوره‌ها و آموزش شخصی شده متناسب با نیازهای دانشجو اشاره داشتند.

شرکت‌کننده شماره نه، عضو هیات علمی دانشگاه، دانش‌آموخته دکترای مددکاری اجتماعی: نوع کورس و روش‌های ارایه کاملاً کاربردی باشه مثلاً در بحث روشی

اینو پیاده می‌کنیم مثلاً در درس روش تکلیفمون این هست که موضوعی رو انتخاب بکنید و بعد روشی رو انتخاب بکنید که تحقیق رو انجام بده، حالا اونجا در اصل تکالیف اینطور بود که پروژه پایان‌نامه خودت اگر رسیدی به مرحله دیتا و داده، داده‌هاتو بیار توی این کورس یعنی بر اساس پایان‌نامه‌ای که می‌خوای انجام بدی تکلیف بیار، حالا اگر هنوز نرسیدی بنابراین می‌تونی بری از پژوهش‌های قبلی استفاده بکنی اما در راستای موضوع پایان‌نامه باشه. بنابراین اون روش پیاده شدن کورس‌ها باید کاربردی باشه و به درد بخوره من می‌تونم بگم در کل اون سه سال کورسی شرکت نکردم که هیچی به درد نخوره، یعنی تمامش مواردی بود که به درد می‌خورد، مثلاً اگر می‌خواستم برم کورس اخلاق همه چیز به درد می‌خورد، حالا مثلاً ممکن بود تمرکز بره رو بحث رگرسیون و تحلیل و این‌ها ولی اونای دیگه رو خیلی اجمالی شرکت می‌کردم یا تو بحث کیفی من چون بخشی از کارم کیفی بود همه دوره‌ها به درد می‌خورد.

از نکات مورد تاکید مصاحبه‌شوندگان اشاره به روش‌هایی با هدف تربیت تفکر انتقادی و تفکر خلاق و بر مبنای حل مساله بود. همچنین مصاحبه‌شوندگان بر انتخاب درست اساتید جهت تدریس و دستیار در کنار اساتید به عنوان روشی جهت یادگیری موثرتر اشاره داشتند.

شرکت‌کننده شماره هشت، دانش‌آموخته دکترای مددکاری اجتماعی، شاغل در بیمارستان: از طرفی چون این دانشجو رو می‌خوای به عنوان مدرس یا پژوهشگر تحویل جامعه بدی بهش بیشتر مجال آموزش دادن بدی. ما دو واحد برای آموزش دادن داشتیم و اساتید هم راغب نبودن بنابراین من باید یاد بگیرم کجا درس بدم بنابراین بخشی از این آموزش به سر کلاس نیست به پیش زمینه‌های قبلش، یعنی دانشجو می‌ره همراه استاد سر کلاس و حتی برخی مواقع کلاس رو دستش می‌گیره اما برای آموزش پیش زمینه‌هایی لازمه که استاد لازمه اون‌ها رو بگه، مثلاً استاد نمی‌یاد بگه ما دیشب برای این کلاس چه کار کردیم، تو خونه چه منبعی رو مطالعه کردیم چقدر آماده بودیم؟ چطور پیش از آمدن به کلاس به استرس‌های احتمالی پیش از کلاس غلبه می‌کنیم، چی می‌شه وقتی دانشجو سوالی بپرسه و من بلد نباشم، اینا چیزهایی هست که آموزش داده نمی‌شه که دانشجو کل این فرایند رو بشناسه و بعد بر اساس روش خودش و تکنیک خودش اون رو ادامه بده.

مناسبت‌ترین روش برای ارزشیابی دانشجویان دکترای مددکاری اجتماعی: مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند جهت ارزشیابی برخی دروس ناچار به آزمون تئوری هستیم اما این آزمون باید تغییر کرده و صورت تحلیلی به خود بگیرد، همچنین شیوه طراحی آزمون جامع فعلی را نقد کردند و به تغییر سوالات تاکید داشتند. شرکت‌کننده شماره یازده، عضو هیات علمی دانشگاه، دکترای آموزش بهداشت: ما الان امتحان جامعمون فرمالیته هست چه به لحاظ سوالی

دوره گرفته بشه و بشه بررسی توانمندی‌های فردی که می‌خواد دکترا بخونه. اون فرد باید توانمندی‌هاش و نقطه ضعف‌هاش شناسایی بشه و در واقع یه جورایی حوزه تخصصیش معلوم بشه. فرد با کمک اساتیدش و افرادی که متخصص این رشته هستن بیان حوزه تخصصیشون رو مشخص کنن و فرد در اون مسیر این چند سال رو حرکت بکنه.

از موارد مورد توجه مصاحبه‌شوندگان این بود که اگر دانشجوی دکترا بر اساس پروپوزال وارد مقطع دکتری شود این ارزیابی باید بر اساس اهداف اولیه‌ای و پروپوزالی که زمان ورود به مقطع دکترا ارایه کرده است انجام گیرد. شرکت‌کننده شماره پنج، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: ما باید زمان پذیرش برنامه ارزشیابی دانشجوی رو بنویسیم. ما نمی‌تونیم بعد از اینکه دانشجوی وارد مقطع دکترا شد تازه یک امتحانی بگیریم آزمونی برگزار کنیم. ما اگر ندونیم دانشجوی قراره چه راهی رو بره چطوری می‌تونیم ارزشیابیش کنیم؟ ما ارزشیابیمون بر اساس انتظاراتمونه دیگه یعنی همون انتظاراتی که باعث شد ما یه سری دانشجوی رو جذب کنیم، و ممکنه بینیم یه تعداد رو اشتباه جذب کردیم برای دکترا، من فکر می‌کنم دانشجوی در بدو پذیرش خودش ادعا کرده به نوعی خودش داره می‌گه من رو بر چه اساسی ارزشیابی کنید، باید مبتنی بر روز پذیرش باشه. به نوعی مسیر یک دانشجوی باید مشخص باشه.

زمان مناسب برای ارزشیابی برنامه دکترای مددکاری اجتماعی:

بیشتر مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که برنامه دکتری باید مورد ارزیابی سالانه قرار گیرد و سپس با جمع‌بندی این نظرات بازنگری کلی در بازه زمانی چهار تا ده سال انجام شود. شرکت‌کننده شماره هفت، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: با توجه به اینکه رشته مددکاری رشته پویایی هست و آسیب‌هایی که داریم باهاش کار می‌کنیم

که می‌کنیم امتحان‌های کتبی که می‌گیریم قاعدتا خیلی جدی نیست یا دردی رو دوا نمی‌کنه. شفاهی هم که خیلی جدی صورت نمی‌گیره که البته جابه‌جا فرق داره اما فکر می‌کنم اگر در دوره تدریس‌مون بر اساس مباحثه عمل بکنیم قاعدتا امتحان جامع می‌تونه خودش رو نشون بده. امتحان جامع باید درک دانشجو رو بسنجه و سوال بحث کنید داریم، نه نام ببرید که نشان می‌ده تفکر نظام‌مند دانشجو چطور شکل گرفته و ادامهش در جلسه شفاهی و جلسه مصاحبه باید قدرت بیان رو بسنجد. و اگر این کار رو همون کسانی که برای ورود مصاحبه انجام داده‌اند انجام دهند می‌تونن بگن دانشجو چه تغییری کرده و...

مصاحبه‌شوندگان ارزیابی بر مبنای دستاوردها و تولید محتوایی که دانشجو طی دوره‌های آموزشی داشته‌اند مانند تولید پروژه، کار عملی، مقاله، شرکت در سمینار و... را موثر دانسته‌اند. شرکت‌کننده شماره پنج، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: چرا باید برای دانشجوی دکترا نمره‌ای در نظر بگیریم؟ می‌دونید ما چرا امتحان می‌گیریم؟ ما شک داریم که یک دانشجوی اینهارو یاد گرفته و چرا شک داریم چون دانشجو انگیزه لازم رو نداشته باشه، من حس می‌کنم اگر پذیرش دانشجو روی منطق پیش بره ما نیاز نداریم که ازش درس رو پیرسیم این دانشجو خودش برای اینکه خلا کارهاشو پر بکنه با تمام وجود می‌یاد درس رو می‌پذیره، کار رو می‌پذیره و بازده عالی داره، من حس می‌کنم تنها ارزشیابی که باید از دانشجوی دکترا بشه همون کارهایی هست که داره می‌گه وگرنه این واحدهایی که دانشجوی می‌خواد بگذرونه چیزی رو به ما ثابت نمی‌کنه، این واحدها ابزار هستند برای اثبات ادعاش، پس باید این ابزار رو کامل یاد بگیره، یعنی باید دانشجوی خوب توجیه بشه که این مواردی که برای تو گذاشتیم در راستای اون ادعایی هست که تو کردی، اگر این اتفاق بیفته مساله‌هایی مثل حضور غیاب، نمره دادن، ساعت پر کردن دیگه لوث میشه برای دانشجوی دکترا، اون می‌گه باید بجنگم برای چیزی که گفتم حتی خیلی بیشتر ازین مواردی که گفتید، شاید تو کارگاه‌ها شرکت بکنه، سمینار شرکت بکنه.

از مواردی که مصاحبه‌شوندگان به آن تاکید داشتند ارزیابی مستمر دانشجویان در طول دوره تحصیلی بود به این صورت که ارزیابی اولیه، ارزیابی در طول ترم تحصیلی، ارزیابی همتایان، ارزیابی در فیلد و در پایان ارزشیابی نهایی می‌تواند در مقطع دکترا موثرتر عمل کند و این ارزیابی‌ها هموار باید بر مبنای توانایی ارایه و پرزنت کردن باشد. شرکت‌کننده شماره هفت، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: متأسفانه ما اواخر که درس‌های تئوری تموم می‌شه آزمون جامعی می‌گیرن آزمون که امتحان خیلی سطح پایینی و استاداها سلیقه‌ای عمل می‌کنن و با حالت تبعیض آمیز نمره می‌دن. این اصلا شیوه درستی برای ارزیابی دانشجو نیست، به نظر من جای اون آزمون جامع اونجا نیست. حتی اسمش هم صحیح نیست، به نظرم این آزمون باید اول

قرار بوده ما تحلیلگر تربیت کنیم دیگه، کپی و جایگذاری نکرده؟... قرار بوده کسی را تربیت کنیم که برنامه‌ریز خوبی باشد بینیم چه پیشنهاداتی داده... همه این‌ها در راستای یکدیگر است.

نیازهای روز جامعه، شرایط موجود و تغییرات علمی، استفاده از مصاحبه و تکنیک دلفی، نرم افزارهای ارزشیابی نیز ابزارهای ذکر شده جهت ارزیابی برنامه دکتری بودند.

منابع جمع‌آوری اطلاعات برای ارزشیابی برنامه دکتری
مددکاری اجتماعی: مصاحبه‌شوندگان اساتید، دانشجویان، کارشناسان آموزش، مدیران سازمان‌های استخدام کننده مددکاران و تحلیلگران اجتماعی را منابع جمع‌آوری اطلاعات برای ارزشیابی برنامه دکتری به‌شمار می‌آورند. شرکت کننده شماره چهار، عضو هیات علمی دانشگاه، دکترای مددکاری اجتماعی: خود دانشجو که فارغ‌التحصیل می‌شن و اینکه تا چه میزان دانشی که به اون‌ها داده شده کاربرد داشته، باید نقایصش رو دربرایم چه چیزهایی نیاز هست، مانیتور بکنیم خود دانشجوهارو تا بتونیم اصلاحی بکنیم.

بنا بر نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان، مراجعه به برنامه‌های دکتری دانشگاه‌های معتبر خارجی و مقایسه آن با برنامه کنونی می‌تواند منبع خوبی جهت ارزشیابی آن باشد. شرکت کننده شماره یک، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: مطالعه مرور سیستماتیک را هم باید انجام بدهیم. سرفصل دروس در کشورهای دیگر مثلاً در حوزه مددکاری خانواده را بررسی کرد، رصد کردن مقالات و کتاب‌ها و مفاهیم جدید.

تغییراتی که موجب ارتقای برنامه کنونی آموزش دکترای مددکاری اجتماعی می‌شوند: محدود شدن و تخصصی شدن، تکنیک محور بودن و مهارت آموز بودن سرفصل‌ها از مواردی بود که مصاحبه‌کنندگان جهت اصلاح و ارتقای برنامه دکتری به آن‌ها اشاره کردند. شرکت کننده شماره یک، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: باید از حیطه صرفاً تعاریف مفاهیم فراتر رفت و وارد حیطه یادگیری تکنیک‌ها و روش‌ها و راهبردها و استفاده آن‌ها در عمل شد. برنامه دکتری به صورت تیمی و با همکاری متخصصان مختلف بازنگری شده و ضمانت اجرایی در سطح دانشگاه و اساتید داشته باشد. شرکت کننده شماره هفت، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: از نظر من مشکل اصلی مددکاری، کوریکولوم نیست، مشکل اصلی اجرا نکردن این‌ها و تخصص نداشتن اساتید هست. ولی کلاً برای ارتقای برنامه آموزشی در مددکاری خیلی خوبه که اساتید... من نمی‌گم ایراد از دانشجو نیست اما دانشجو تابع استاده، اگر استاد من بیاد به شیوه سخنرانی درس بده من میشنم گوش می‌دم و نود درصد دانشجوهارا اینطوری هستن و دانشجوهای که به شیوه تدریس نقد می‌کنن خیلی کم هستن، اما به‌نظرم برای ارتقای سطح برنامه‌های گروه روی اساتید کار بشه. جلسات و دوره‌ها برگزار بشه، توجیه بشن. روش‌های بعضی‌ها

خیلی قابل تغییر هستند به‌نظر من حداقل سه سال یا چهار سال یک‌بار بازنگری بشن، متناسب با... دانشجویهایی که داریم میبینیم با دانشجویهای چهار سال پیش خیلی متفاوتند، توانمندی‌هاشون و دیدشون، به‌نظرم باید هر سال یک‌بار بازنگری بشن تا آپدیت باشن.

ابزارهای مناسب برای ارزشیابی برنامه دکتری مددکاری اجتماعی:
 بیشتر مصاحبه‌شوندگان یکی از ابزارهای موثر در ارزشیابی را مصاحبه کردن با دانشجویان، دانش‌آموختگان مقطع دکتری، اساتید حوزه مددکاری اجتماعی و کارشناسان آموزش عنوان کردند، که برای این کار می‌توان شاخص‌سازی کرد. شرکت کننده شماره هفت، دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی: چون این امکان وجود نداره که از ارایه استاد مستند تهیه کنیم و بررسی کنیم تنها ناظر عینی دانشجو هست که می‌تونه فیدبک بده. می‌شه یه سری شاخص‌ها تعیین کرد، شاخص‌های ارزیابی و آزمون‌هایی که بتونن حداقل‌ها رو با توجه کلاس‌ها بررسی کرد، نه برای ارزیابی دانشجو، برای ارزیابی کوریکولوم. که بعد بینیم بر اساس این کوریکولوم دانشجوها موارد رو یاد گرفتند یا نه. برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان، دیگر ارزیابی محصول و پرونداد دوره‌های دکترای شامل بررسی پژوهش‌ها و پروژه‌های انجام شده توسط دانشجو، رساله دکتری و کار در فیلد را ابزار مناسب ارزیابی برنامه‌های دکترای می‌دانستند. شرکت کننده شماره دو، دانش‌آموخته دکترای مددکاری اجتماعی، معاون یکی از مراکز توانبخشی سازمان بهزیستی: باید بینیم آیا رساله دانشجوی دکتری مطابق با اهداف کوریکولوم بوده است؟ سبک نوشتنش، سبک هدایتش. ضمن اینکه یک چیزی که هست شما درسی که می‌گذرانید تهش ارزیابی هست. یعنی به‌صورت جدی راجع به هر درسی پرسیده بشود و تحلیل بشود. و در کنار این پایان‌نامه،

این هست که گرایش‌ها به اندازه پایان‌نامه باشد. اگر گرایش با تعداد کم در نظر بگیرید محدود کننده شده‌اید و فرد تخصص خود را مشخص می‌کنه با پایان‌نامه. من فکر می‌کنم بسیاری از افراد که در دنیا دکتر می‌گیرن در گرایش خاص مدرک نگرفته‌اند و براساس پژوهشون متخصص محسوب می‌شن.

عده‌ای دیگر که با ایجاد گرایش موافق بودند مزایای آن را تخصصی شدن، عمیق شدن در یک حیطه تخصصی، ثبات مسیر دانش‌آموختگان، تخصصی شدن کمک به گروه هدف، قوی‌تر شدن سیستم ارجاع و آشنایی با متخصصان ذی‌ربط در سایر کشورها دانستند. شرکت‌کننده شماره دو، دانش‌آموخته دکتری مددکاری اجتماعی، معاون یکی از مراکز توانبخشی سازمان بهزیستی: من فکر می‌کنم مزیتش این است که ما به صورت خیلی حرفه‌ای می‌توانیم به گروه‌مان خدمت ارایه کنیم و باری به هر جهت نباشد، آزمون و خطایی نباشد و تفکیک شود و همکاران به‌طور کامل مشخص شود و هر کس در حوزه مخصوص به خودش فعالیت کند و سیستم ارجاعات قوی‌تری داشته باشیم یعنی در موارد خاص موضوع را به فرد مربوط ارجاع دهیم و حرفه‌ای‌تر و دقیق‌تر کار کنیم. در همان حوزه‌ای که علاقه داریم تمرکز کنیم. این که خدمت ما چهارچوب‌دارتر و مشخص‌تر ارایه شود. در همین راستا گرایش‌های پیشنهاد شده توسط مصاحبه‌شوندگان گرایش خانواده، کودک نوجوان، اعتیاد، سالمندی، سلامت روان، امور قضایی، سبک زندگی، ترویج تغذیه مناسب و توانبخشی و مددکاری نهادی بود.

کارایی لازم رو نداره، بیرن به سمت روش‌هایی که دانشجو محور باشه عملی‌تر باشه و اطلاعاتی که دارند رو آپدیت بکنن و با اطلاعات برن سر کلاس. دانشجوی کارشناسی هم می‌فهمه که استادش با آمادگی رفته سر کلاس یا نه، متأسفانه برخی از اساتید ما متوجه این موضوع نیستن. همچنین مطابق با نظر مصاحبه‌شوندگان برنامه دکتری علاوه بر اینکه باید با نیازهای روز جامعه و نیازهای بومی کشور انطباق داشته باشد، باید از متدهای روز دنیا نیز بهره ببرد. شرکت‌کننده شماره دو، دانش‌آموخته دکتری مددکاری اجتماعی، معاون یکی از مراکز توانبخشی سازمان بهزیستی: باید تحقیق کنیم که دوره دکتری در کشورهای دیگر به چه سبکی برگزار می‌شود و چه جزئیاتی دارد و ما کدام بخش‌هایش را می‌توانیم نسبت به فرهنگ و امکانات خودمان اجرا کنیم. ممکن است مواردی باشد که ما اینجا امکان اجرا کردنش را نداشته باشیم و بخش‌هایی که امکان پذیر است را امتحان کنیم. یعنی وقتی کوریکولوم را طراحی کردیم، قبل از اجرا تحقیق کنیم کشورهایی که در زمینه مددکاری اجتماعی پیشرفت کرده‌اند و حرفی برای گفتن دارند چه برنامه‌ای داشته‌اند. و از آن‌ها الهام بگیریم. چون الان همه اطلاعات روی سایت‌های دانشگاه‌ها بارگذاری می‌شود و می‌توانیم ارتباط بگیریم. و از آن‌ها بخواهیم اگر برایشان ممکن است کوریکولوم خودشان را برای ما بفرستند. و روی آن کار کنیم و با کوریکولوم خود مقایسه کنیم. بله، به شرطی که با فرهنگ و امکانات ما همخوانی داشته باشند. و زیر ساخت لازم برای اجرای آن را داشته باشیم. یا با انجمن بین‌المللی و... ارتباط بگیریم.

گرایش در برنامه دکتری مددکاری اجتماعی: تعدادی از مصاحبه‌شوندگان با ایجاد گرایش مخالف بوده و معایب آن را عدم وجود بستر سازمانی برای مددکاران اجتماعی با گرایش، نبود استاد متخصص در همه حوزه‌ها، مغفول ماندن برخی حوزه‌ها، کم بودن تعداد دانشجویین دکترا متناسب با گرایش، پراکندگی حوزه‌ها و ایجاد محدودیت، تکرر حوزه‌ها و همپوشانی داشتن آسیب‌های اجتماعی با یکدیگر عنوان کردند. این تعداد از مصاحبه‌شوندگان پیشنهاد دادند که تخصصی شدن گرایش هر دانشجو با پایان‌نامه دکتری صورت پذیرد. شرکت‌کننده شماره یازده، عضو هیات علمی دانشگاه، دکتری آموزش بهداشت: به نظر می‌رسه گرایش‌ها مبتنی خواهد بود بر نوع عنوان پایان‌نامه. من فکر می‌کنم اگر گرایش مشخص نمی‌کنن دلیلش

بحث و نتیجه گیری

در مطالعه وظایف متعددی در حوزه‌های مختلف برای دانش‌آموختگان مددکاری اجتماعی در مقطع دکترا پیشنهاد شد. این وظایف در دسته‌های سیاست‌گذاری، رهبری و برنامه‌ریزی، نقد نظریه‌ها و نظریه‌پردازی، آموزش نظری و عملی و سرپرستی، پژوهش و مداخلات بالینی جای می‌گیرند. در برنامه آموزش دکتری مددکاری اجتماعی که در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۳ به تصویب رسید، مهمترین وظایف در نظر گرفته شده شامل سیاست‌گذاری، رهبری و برنامه‌ریزی، نقد نظریه‌ها و نظریه‌پردازی،

و یا عملی مشخصی برای این منظور در نظر گرفته نشده است. (۲۰ و ۲۱) بر اساس نکاتی که شرکت‌کنندگان مطرح کردند پیش‌بینی واحدهای نظری، کارآموزی و کارورزی در زمینه تدریس و سرپرستی دانشجویان می‌تواند این نقص را در برنامه آموزشی برطرف نماید. ارزیابی شایستگی‌های داوطلبان تحصیل در دوره دکترا یک چالش قابل توجه به‌شمار می‌رود. (۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۲۱) به‌نظر می‌رسد دانشجویانی که سابقه کار و پژوهش در حوزه مددکاری اجتماعی دارند، در دوره دکترا از قدرت تحلیل بیشتری برخوردارند، در انجام تکالیف موفقتر عمل می‌کنند و در انتخاب موضوع پایان‌نامه با چالش کمتری مواجه هستند. به همین دلیل از نظر مصاحبه‌شوندگان نه تنها سابقه تحصیل در رشته مددکاری اجتماعی، در هر دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، برای پذیرش در مقطع دکترا ضروریست، بلکه لازم است دانشجوی دکترا مددکاری اجتماعی قبل از ورود به این دوره در زمینه مددکاری اجتماعی فعالیت کرده باشد و در مصاحبه سابقه کار و پژوهش، انگیزه دانشجوی برای تحصیل در مقطع دکترا، مهارت‌های ارتباطی و قدرت تحلیل موضوعات علمی در مددکاری اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرند.

محدودیت‌ها: دستیابی به همه اساتید و دانش‌آموختگان، از مشکلات اجرایی این پژوهش بود. تلاش شد با تنظیم قرار ملاقات بر اساس زمان‌های مورد نظر شرکت‌کنندگان و پژوهشگر برای انجام مصاحبه در محلی که برای آن‌ها مناسبتر بود، تاثیر این محدودیت کاهش یابد. در صورتی که پایش برنامه آموزشی دکترا مددکاری اجتماعی به‌طور سالیانه انجام شود، نتایج پایش‌های سالیانه می‌توانند مبنای بازنگری دوره بعدی قرار گیرد.

سپاسگزاری: یافته‌های ارایه شده در این مقاله بخشی از پژوهشی با عنوان بازبینی و تدوین مجدد کوریکولوم دکترا تخصصی مددکاری اجتماعی است که به سفارش دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در سال ۱۳۹۸ انجام گرفت. تیم پژوهش مایل است از کلیه مشارکت‌کنندگان در پژوهش که در مصاحبه‌ها شرکت کردند، سپاسگزاری نماید. مرحومه زهرا السادات ترابی، دانشجوی فقیه دکترا مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، در مراحل اولیه تنظیم پروپوزال پژوهش مشارکت داشتند.

آموزش نظری و عملی و سرپرستی بود. این در حالی است که بخش مهمی دیگری از وظایف مرتبط با مددکاران اجتماعی بر اساس نظرات شرکت‌کنندگان وظایفی هستند که در دسته مداخلات بالینی طبقه‌بندی می‌شوند. به‌نظر می‌رسد لازم است برنامه آموزشی با توجه به نیازهای موجود و وظایف تعریف شده برای مددکاران اجتماعی و همچنین برنامه‌های آموزشی در سایر دانشگاه‌ها از انعطاف لازم برخوردار باشد به‌گونه‌ای که دانشجویان بتوانند بر اساس علاقمندی خود علاوه بر سیاستگذاری، رهبری و برنامه‌ریزی، نقد نظریه‌ها و نظریه‌پردازی، آموزش نظری و عملی و سرپرستی و پژوهش با نظریه‌ها و انواع مداخلات بالینی در حوزه مددکاری اجتماعی آشنا شوند و در صورت تمایل موضوع پایان‌نامه خود را در زمینه بالینی انتخاب کنند.

پیشنهادهای: در نظر گرفتن واحدهای عملی، کارآموزی و کارورزی علاوه بر واحدهای نظری برای حصول اطمینان از اینکه دانشجویان در طول دوره آموزشی خود مهارت‌های کافی را در زمینه‌های مختلف پیش‌بینی شده در برنامه آموزشی کسب می‌کنند، ضروری به‌نظر می‌رسد. یکی از مهمترین انتقادهایی که به برنامه‌های آموزشی دوره دکترا مددکاری اجتماعی در خارج از ایران وارد شده، این است که اگرچه در این برنامه‌ها آماده‌سازی دانشجویان برای آموزش رشته مددکاری اجتماعی به‌عنوان هدف در نظر گرفته شده است، در بسیاری موارد واحد نظری



References:

1. Bahador H. Revision of medical curriculum. Tehran: Tohfeh: Iran university of medical sciences; 2006.
2. Orme J. Why does social work need doctors? Social work education. 2003;22(6):541-554.
3. Berzoff J, Drisko J. Preparing PhD-level clinical social work practitioners for the 21st Century. Journal of teaching in social work. 2015;35(1-2):82-100.
4. Lyons K. Researching social work: doctoral work in the UK. Social work education. 2002;21(3):337-346.
5. Anastas JW, Congress EP. Philosophical issues in doctoral education in social work: a survey of doctoral program directors. Journal of social work education. 1999;35(1):143-53.

6. Drisko J, Hunnicutt C, Berenson L. A national content analysis of PhD program objectives, structures, and curricula: do programs address the full range of social work's needs? *Journal of teaching in social work*. 2015;35(1-2):14-28.
7. Rubin A, Davis R. The elusive doctoral curriculum: a dilemma for the social work profession. *Areté*. 1981;6(3):1-9.
8. Fraser MW, Jenson JM, Lewis RE. Training for research scholarship in social work doctoral programs. *Social service review*. 1991;65(4):597-613.
9. Small E, Sharma BB, Nikolova SP. A pilot study evaluating students' interest in international social work education. *Social work education*. 2015;34(4):414-27.
10. Hudson KD, Shapiro VB, Ebner IA, Berenberg A, Bacher N. Preparing tomorrow's professoriate: an examination of social justice language in social work PhD program manuals. *Social work education*. 2017;36(4):443-455.
11. Shore B, Thyer BA. Should non-MSWs earn the social work doctorate? A debate. *Journal of teaching in social work*. 1996;14(1-2):127-145.
12. Younesi A. An exploration into the PhD applicants' and faculty members' views on different methods of PhD applicants' selection. *Quarterly educational measurement*. 2016;6(22).
13. Azizi N, Mohammadi MF. A study of the applicants' viewpoints regarding the doctoral admission interviews. *Quarterly journal of research and planning in higher education*. 2016;21(4):51-69.
14. Faraji DH, Arasteh H, Navehabrahim A, Abdolahi B. Identifying doctoral admissions criteria: a qualitative study. 2016. [Persian].
15. Thi Thai Lan N, Hugman R, Briscoe C. Moving towards an 'indigenous' social work education in Vietnam. *Social work education*. 2010;29(8):843-854.
16. Green S, Baldry E. Building indigenous Australian social work. *Australian social Work*. 2008;61(4):389-402.
17. Nagpaul H. Social work education in contemporary India: need for indigenous foundations. *Journal of international and comparative social welfare*. 1988;4(2):18-34.
18. Megahead HA. Factors of development social work education in contemporary Egypt. *Journal of human behavior in the social environment*. 2015;25(8):960-70.
19. Helgevold N, Moen V. The use of flipped classrooms to stimulate students' participation in an academic course in initial teacher education. *Nordic journal of digital literacy*. 2015;10(01):29-42.
20. Valentine DP, Edwards S, Gohagan D, Huff M, Pereira A, Wilson P. Preparing social work doctoral students for teaching: report of a survey. *Journal of social work education*. 1998;34(2):273-82.
21. Abbasi, H, Ahmadi, S, Baratpour, S, Karimpour, F, Khosravi, S. Design and implementation of a structured interview of Ph.D. entrance exam in medical sciences universities. *Journal of medicine and cultivation*, 2019; 27(4 forty years achievement of Medical Education in Iran): 271-281.